

ارتقای کیفیت تعاملات ذینفعان بازار برق ایران با تکیه بر الگوگیری از تجارب موفق سایر کشورها

احسان مرزبان، دانشجوی دکتری

۱- دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران، e.marzban@ut.ac.ir

چکیده: پژوهش حاضر، با فرض عدم کارآمدی ساختار و فرایندهای حاکم بر مجموعه ذینفعان بازار برق ایران و با هدف بازشناسی و بازکاوی تنگناها و نارساییهای موجود در این بازار و ارائه راهکارهایی مبتنی بر دانش و تجربه‌های موجود در جهان، به منظور کارآمدی بیشتر ساختار و مدیریت صنعت برق در فضای رقابتی، انجام شده است. از اینرو، پس از مطالعه در مفهوم و تجربه تجدیدساختار صنعت برق - بررسی موردی انگلستان، ترکیه و کشورهای اسکاندیناوی - به بررسی ساختار و فرایندهای این بازار، شرایط و نهادهای موجود در آن و نیز تعاملات ذینفعان، از طریق میدانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ساختار نهادتنظیم کننده مقررات بازار برق، متناسب با شرایط و اهداف استراتژیک این بازار نیست؛ همه شرایط و یا نهادهای لازم برای کارکرد اثربخش بازار، هنوز فراهم و یا طراحی و مستقر نشده است؛ و روابط میان مجموعه بازیگران و ذینفعان بازار در شرایط کنونی، کارایی و اثربخشی چندانی ندارد و نیازمند بازنگری است. در پایان، با تکیه بر یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی جهت بازنگری در ساختار بازار برق ایران، ارتقای کارایی و بهبود کیفیت تعاملات نقش آفرینان اصلی حاضر در آن، ارائه شده است.

کلمات کلیدی: تجدید ساختار، بازار برق، ارتقای کیفیت، رقابت

نویسنده مسئول: احسان مرزبان، تهران، ابتدای جلال آل احمد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

۱- مقدمه:

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود در کشور، هنوز ناکارآمدی‌های گوناگونی در مسیر عملکرد بهینه این بازار از دیدگاه مدیریتی، وجود دارد و بدلیل فراهم نبودن زمینه‌ها و بسترهای لازم و برخی از چالش‌های مدیریتی و اجرایی، به ماموریت و هدفهای اصلی خود، هنوز دست نیافته است.

از اینرو، پژوهش حاضر، با هدف شناخت تنگناها و مشکلات موجود در مسیر توسعه بازار برق ایران و روابط بازیگران این بازار به منظور یاری رساندن به مدیران جهت حرکت در راستای حل مشکلات موجود و ارتقای اثربخشی و کارایی نهادهای درگیر، بر مبنای مطالعه عمیق ادبیات موضوع، بررسی و تحلیل مطالعات مرتبط، تمرکز بر تجارب سایر کشورها و مطالعات موردی و سرانجام، نظرسنجی و مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، استوار شده است. کوشش شده تا از طریق مطالعات گسترده کتابخانه‌ای و اعمال فرایندهای محک‌زنی و سپس پژوهش میدانی به کمک پرسشنامه تدوین شده، رویکردی علمی و معتبر برای تحلیل جایگاه و کارآمدی بازار برق ایران در فرایندهای اصلاحات صنعت برق و با تاکید بر ارتقای کیفیت تعاملات نقش‌آفرینان بازار، پیاده‌سازی شود.

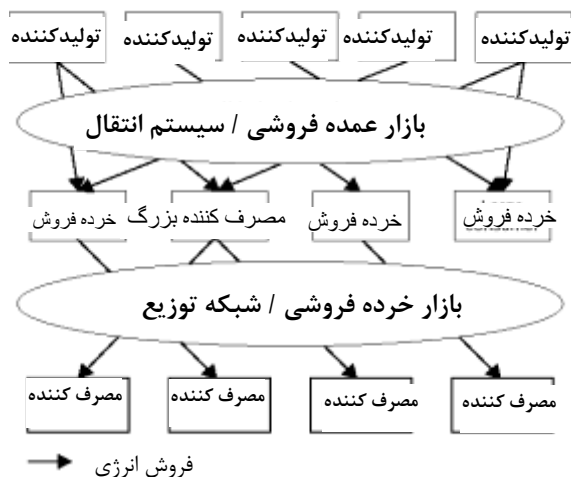
سوال اصلی پژوهش را می‌توان اینگونه بیان کرد: آیا ساختار و تعاملات کنونی بازار برق کشور، پاسخگوی نیازهای رقابتی روز صنعت برق، در حضور بخش غیردولتی هست؟ روش مفهومی انجام تحقیق در چارچوب گام‌های چهارگانه مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی، مطالعات تطبیقی و سرانجام تجزیه و تحلیل یافته‌های توصیفی تحقیق طراحی شده است و در بخش مطالعه تطبیقی، بررسی سه بازار برق انگلستان، ترکیه و حوزه اسکاندیناوی برگزیده شده است.

موضوع و ریشه اصلی در تئوری سازمان این است که سازمانها، اگر می‌خواهند به اثربخشی و بقای خود در محیط ادامه دهند، باید با محیط خود سازگار باشند؛ بر همین اساس، دولت‌ها از تجدید ساختار در صنعت برق برای رویارویی و پاسخگویی به تغییرات محیطی بهره می‌جویند و رقابت، عنصری بنیادین در رویکردهای تجدیدساختار است. ساختار صنایع برق در تمام دنیا، همگام با تحولات اقتصادی و اجتماعی شتابناک در دو دهه اخیر، به سوی ارگانیک‌تر و منعطف‌تر شدن حرکت کرده است. در واقع، کشورهای مختلف جهان، با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بویژه اقتصادی خود، با جهت‌گیری‌های مدیریتی گوناگون، شکلها و بخشهایی از این حرکت فراگیر را پذیرفته‌اند و با آن همگام شده‌اند.

بخش صنعت برق ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مطابق با روند جهانی تجدیدساختار صنایع برق و برای ایجاد فضای سالم رقابتی، اقدام به ایجاد تغییرات ساختاری، تمرکززدایی، برون‌سپاری، بازنگاری در مقررات و نیز خصوصی‌سازی نموده است. طی دو دهه گشته، ساختار قدیمی مبتنی بر مقررات انحصاری، راه خود را به سوی محیطی مبتنی بر بازارگرایی گشوده است.

زمینه اصلی تجدید ساختار در صنعت برق، بازبینی ساختارهای موجود و طراحی مجموعه‌ای از فرایندها برای حرکت از فضای انحصاری به سوی فضای رقابتی است و تشکیل بازار برق، گامی بنیادین در این مسیر بشمار می‌رود؛ اما، با وجود آغاز حرکت‌های مربوط به تجدیدساختار در صنعت برق از اوایل دهه هفتاد و در پی آن، راه‌اندازی بازار برق ایران در سال ۱۳۸۲، به نظر می‌رسد به دلیل برخی محدودیت‌های فنی، حقوقی،

۲- مدل:



شکل ۱: مدل رقابت خرده فروشی بازار برق

مراجع

Kirschen, Daniel & Strbac, Goran (2008) Fundamentals of power system economics (translate: experts in secretariat of power market regulatory) Tehran, secretariat of power market regulatory Pub.

Lai-Loi- Lei (2006), Restructure and Deregulation in Electricity Industry, (translate: Hoseinian, hosein & Dindar, Amir & Kalantary, Mohammadreza) Tehran, Original Electric Company Pub.

Nili, Masood (2009) Assessing Theoretical and Experimental Basics of Electricity distribute companies privatization, Shariff University Economical Studies Research Institute, Privatization Bureau of power market.

Von Weizsacker, Ernest & Finger, Mattias & Beisheim Marianne (2007), Limits to privatization, (translate: Saffar, Mohammad) Tehran, Resanesh Publication.

کرشن و استریک بر اساس الگوی هانت و شاتلورد، چهار مدل برای پیکربندی ساختار صنعت، در بخش تأمین برق پیشنهاد شده است. این چهار مدل، از انحصار تنظیم شده تا رقابت کامل را پوشش می دهند. (کرشن و استریک، ۱۳۸۶)

مدل رقابت خرده فروشی (شکل ۱) که به عنوان مدل مفهومی این پژوهش برگزیده شده است، مدل نهایی بازار رقابتی برق را نشان می دهد که در آن همه مصرف کننده ها قادر به انتخاب عرضه کننده می باشند. به علت وجود هزینه های مبادله، تنها مصرف کنندگان بزرگ، خرید مستقیم از بازار عمده فروشی را برمی گزینند. بیشتر مصرف کنندگان کوچک و متوسط، انرژی را از بازار خرده فروشی (که این بازار به جای آنها برق را از بازار عمده فروشی تهیه کرده است) می خرند. در این مدل، کارکرد انحصاری تنها به احداث و بهره برداری از شبکه انتقال و توزیع مربوط است. با شکل گیری رقابت کافی در بازار، نیازی به تنظیم قیمت خرده فروشی نیست؛ زیرا مصرف کننده کوچک با پیشنهادهای بهتر، قادر به تغییر خرده فروش می باشد. از دید اقتصادی این مدل، به علت تعیین قیمت های انرژی از طریق تعاملات بازاری، رضایت بخش ترین مدل محسوب می شود. اجرای این مدل به حجم قابل ملاحظه ای از دستگاه های اندازه گیری، مخابراتی و پردازش اطلاعات نیاز دارد.